

# جزوه تشکیلاتی ناتو، فصل جهان خواران گوگولی

## چگونه یک کشور متمدن باشیم و خلاف قوانین بین المللی رفتار نکنیم؟

بگیریم و هر چه دارند با هم تقسیم کنیم تا همه به جایی برسیم. حالا اینکه آنها به جایی نمی‌رسند و بدبخت‌تر می‌شوند، تقصیر خودشان است. تا ما می‌رویم، اختلاف پیدا می‌کنند و دعوی‌شان می‌شود و روی سر هم بمب می‌اندازند و می‌میرند و نمی‌توانند پیشرفت کنند. عده‌ای هم همه‌اش سر اینکه کی صندلی جلو، جفت ما بنشیند دعا دارند و وقتی برای پیشرفت ندارند. خوب نوبتی‌اش کنید، یک‌بار گاو بنشیند یک‌بار گوساله‌اش.

ندارد. او دیگر قابل حمایت نیست و خودش ماستی که بهش دادیم را می‌خورد و به او حمله می‌شود. خوب قطعاً باید از موهای بلوند و چشمان آبی‌شان حمایت کرد و کسی که به او حمله کرده را جنگ‌افروز خواند. یک وقتی کشوری غیرمتمدن نه تنها وسط نشسته و نان و ماستی که بهش دادیم را نمی‌خورد، بلکه در مقابل خوردن مقاومت هم می‌کند، سنگ هم به سمت ما پرتاب می‌کند، مرگ بر ما هم می‌گوید. بشکند دستي که نمک

متمدن یک گوشه‌ای نشسته دارد نان و ماستی که بهش دادیم را می‌خورد و به او حمله می‌شود. خوب قطعاً باید از موهای بلوند و چشمان آبی‌شان حمایت کرد و کسی که به او حمله کرده را جنگ‌افروز خواند. یک وقتی کشوری غیرمتمدن نه تنها وسط نشسته و نان و ماستی که بهش دادیم را نمی‌خورد، بلکه در مقابل خوردن مقاومت هم می‌کند، سنگ هم به سمت ما پرتاب می‌کند، مرگ بر ما هم می‌گوید. بشکند دستي که نمک

۱. سربازان مان را در یادگان حبس نکنیم. آنها را به اردوهای خارج از کشور ببریم تا آب‌وهوایی عوض کنند و بازی کنند.

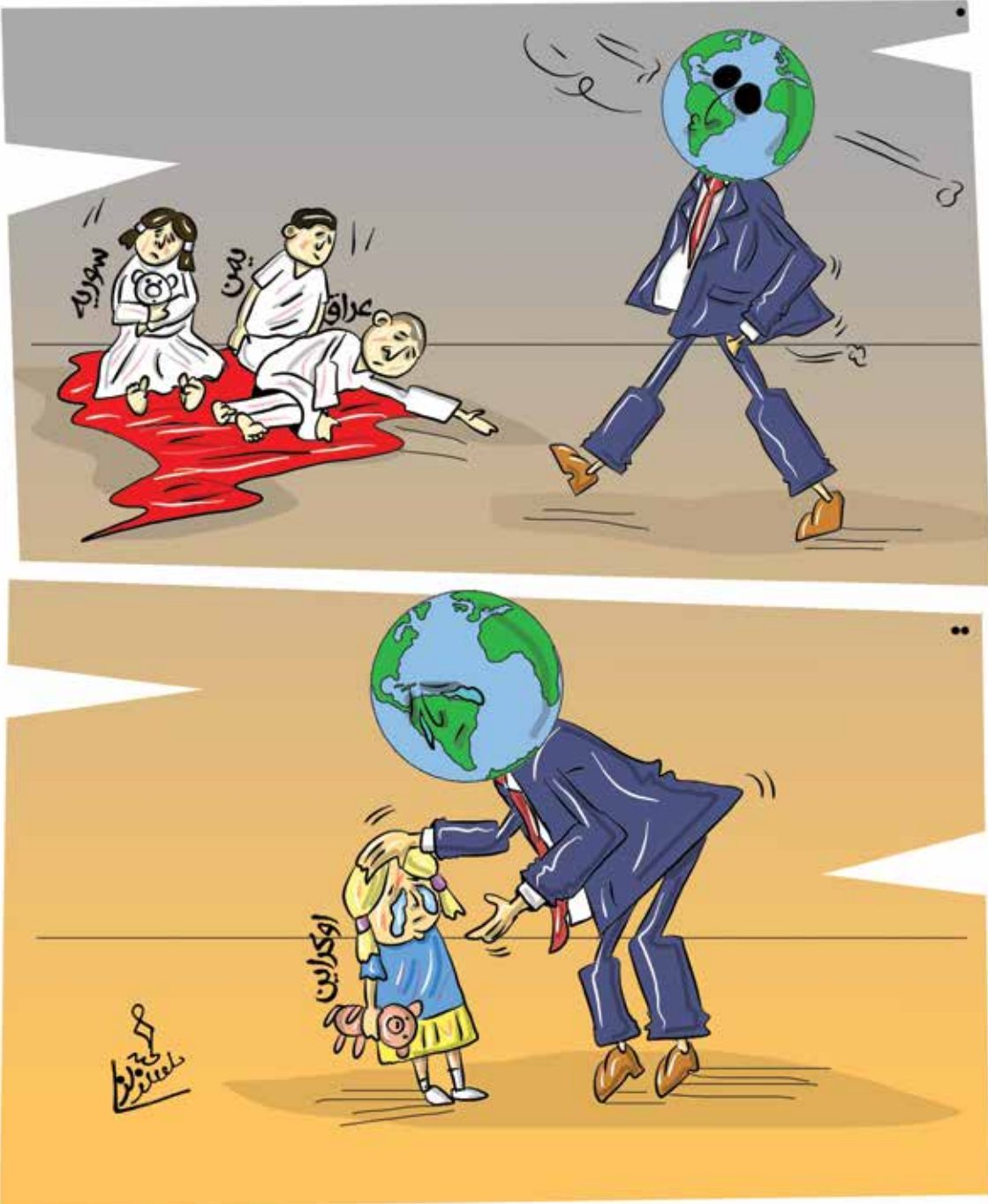


فیروزه کوهپایه

بازی‌هایی مثل تانک به هوا (در این بازی دو تانک دنبال هم می‌دوند تا همدیگر را بگیرند)، به قل دو بمب (در این بازی سربازان با یک دست بمب را بالا می‌اندازند و با دست دیگر بمب‌های روی زمین را جمع می‌کنند)، قایم باشک یا خمپاره (در این بازی سرباز چشم می‌گذارد تا خمپاره قایم شود و بعد دنبال او می‌گردد). حالا اگر در میان بازی‌ها چند نفر از کشور میزبان هم کشته شدند، اشکال ندارد. نمک بازی است دیگر. از قدیم گفته‌اند بازی اشکند دارد؛ سر شکستک دارد. یا اگر بازی بالا گرفت و تبدیل به یک رزمایش کوچک بین مرز دو کشور دیگر شد، سخت نگیریم، بزرگ می‌شوند پادشاهان می‌رود.

۲. تنوع رنگی را باور داشته باشیم، بپذیریم و در تشخیص درست آن کوشا باشیم. همه‌اش که سفید نمی‌شود. بالاخره سفید پررنگ، سفید کم‌رنگ، سفید آفتاب‌گرفته، سفید مایل به شیری هم رنگ است. این مورد در زمان جنگ و خارج کردن مردم از شهر بسیار مهم است. البته طبیعی است که عده‌ای غیر بود هم دیده نشوند و در شهر جا بمانند یا در گیت ورود به کشور همسایه له شوند یا اگر جان سخت بودند و از گیت رد شدند، آب و غذا تمام شده باشد و بهشان نرسد. جنگ است دیگر، شوخی که نیست. عوضش اول به آنها واکسن می‌زنیم تا جبران شود و فکر نکنند ما بین‌شان فرق می‌گذاریم.

۳. با اشغالگران بازی نکنیم. نه فوتبال، نه والیبال. وسطی که اصلاً دردش بیشتر است. در این مورد، تشخیص اشغالگر از شبه اشغالگر، بسیار حساس است. اگر عده‌ای کم اشغالگر باشند یعنی رفته‌اند خانه‌شان را پس بگیرند اشتباهی خانه همسایه‌های شان را هم پس گرفته‌اند! گناه دارند، شبه اشغالگر محسوب شده و بازی با آنها مجاز است. حتی می‌شود در سازمان بین‌الملل از حق وتو هم برای شان استفاده کرد؛ اما اگر کشوری خیلی اشغالگر باشد یعنی علاوه بر کی‌یف، خارکیف را هم اشغال کرده باشد، دیگر مساله ناموسی است و نباید مقابل تیم‌هایش بازی کرد. باید ورزشش تحریم و حق رأی در شورای امنیت هم گرفته شود. ۴. با کشورهای جنگ‌افروز و تروریست معامله نکنیم و دسترسی آنها به پرداخت بین بانکی جهانی، سوئیفت را قطع کنیم. البته اینکه چه کشوری به چه کسانی حمله کرده باشد هم مهم است. یک وقتی کشوری



داوود افرازی

### دیوانه حافظ

افشار جبری و حافظ شیرازی

«نغمه بخور که بچ ملک با چنان حال»

«کیر کار یک شه دیگرنی شود»

### به جون ملکه



بهراد توفیق‌فر

آذری‌ها یک ضرب‌المثل دارند که معنی‌اش تقریباً می‌شود: «خشک و خالی قربان صدقه رفتن». یعنی فقط می‌گویند تو را دوست دارم یا توکم یا چاکرم یا در خدمتم و اینها. اگر روزی کارت به او بیفتد یا تقاضایی داشته باشی، احتمالاً تو را نمی‌شناسد و چشم به آسمان می‌دوزد و سوت بلبلی می‌زند. این طور آدم‌ها در حجم و اندازه دولت‌ها هم وجود دارند و ببخشید دیگه.

بدتر از اینها - یعنی همین آدم‌ها یا دولت‌های مذکور - آنهایی هستند که نه فقط حرف خالی می‌زنند بلکه وقتش که برسد، جلوی پایتان جفت پای می‌گیرند و یک لگد هم می‌زنند و اگر شد عجلتاً هر جای بدنتان که به دندان‌شان برسد، گاز هم می‌گیرند. مثلاً گلاب به روی‌تان همین آمریکا و برخی کشورهای اروپایی. آن موقع که گورباچف توی صف مک‌دونالد، لبخند موزی می‌زد، هر چه توانستند وعده دادند و حرف‌های قشنگ زدند اما بعدش... یا شاه فراری خودمان که داشت توی ظفار و ویتنام و جاهای دیگر برای آمریکا می‌جنگید، او را صاحب جزیره ثبات می‌خواندند و از فرح تشکر می‌کردند! یا قذافی که همه موشک‌ها و تسلیحات و مواد هسته‌ای خودش را با کشتی‌اش توی دریا ریخت و... اصلاً چرا راه دور برویم، همین رئیس‌جمهور سابق ایران... چیز... ببخشید همین رئیس‌جمهور سابق اوکراین - اون دلگه اسمش چی بود؟ - آهان! زلنسکی، موشک‌ها و هواپیماها و بقیه سلاح‌هایش را ریخت توی جوق آب و توی مراکز دفاعی هسته‌ای هم سیمان ریخت اما وقتی با گول آمریکا و ناتو - یا امریکای ناتو - مورد عملیات روسیه قرار گرفت! و تند تند خودکار... ای بابا ببخشید... پیامک فرستاد که بباید کمک، ژنرال‌های چهارستاره و دریدارها و فرماندهان مدال بر سینه زده امریکایی و انگلیسی و «ناتو»، لم داده بودند روی میل‌هایشان و ضمن ایچکت پیام‌های رئیس‌جمهور مادرمرده، توثیت می‌زدند که بچه‌ها شما نفس‌تان حق است، اوکراین را دعا کنید. سفیر انگلیس هم در تهران، پرچم اوکراین را «توی» حیاط سفارت نصب کرد و در حالی که آب پرتقالش را می‌خورد، توثیت زد: «ما از همین جا در کنار اوکراین هستیم، به جون ملکه».

۱) گوری گوری گوریان اولوم  
۲) کاریکاتور از سالنامه توفیق، نوروز ۱۳۴۶ انتخاب شده است.

### سالنامه توفیق



### دیگه چی دارید؟



علیرضا عبیدی

بیمه، آینده‌نگری فرداهاست. (فکر می‌کنم جمله‌ای از بزرگان باشه!) همین تبلیغ و تبلیغات جراحی‌برانگیز تلویزیون کافی بود تا خودم را به دفتر یکی از بیمه‌های ان‌شاه‌الله معتبر برسانم. از خانمی که آنجا بود اطلاعاتی گرفتم بلکه آباریکه‌ای برای دوران فرادایم درست شود.

فروشنده منظوره، تعرفه اصلی را برابرم شرح داد: «ماهی ۳۵۰ تومن پرداخت می‌کنید که نسبت به تورم اضافه می‌شه و بعد از یونزده سال، هم سنوات بهتون تعلقی می‌گیره هم حقوق. از ابتدا هم بیمه درمانی می‌شید. بعد از بازنشستگی هم کرم عمویورنگ رایگان برای از بین بردن چین و چروک دور چشم در اختیارتون قرار می‌گیره». گفتم: «خانوم، من اگه ماهی ۳۵۰ تومن پول اضافه داشتم که الان به همراه همسرم واسه کل زندگی نامه‌ام بیمه سرمایه می‌خریدم.» گفت: «با ۳۵۰ تومن؟» گفتم: «ما تو آشناهامون یکی رو داریم با کمتر از این هم گرفته؛ حالا بگذریم. تعرفه سبک‌تر ندارید؟» گفت: «چرا، ماهی ۲۵۰ تومن، هفده و نیم ساله. بعد از اتمام دوره به پول الان ماهی یه میلیون حقوق می‌گیرید ولی دیگه درمان و اینا رو باید پیش همون فامیلتون انجام بدید!» گفتم: «نه خانوم، ماهی ۲۵۰ فشار میاد بهم. ایستادگی ندارید؟» سرش را خاراند و گفت: «چرا، ماهی صد تومن، بیست ساله. بعد از اتمام دوره اگه عمرتون رو نداده باشید به کسی، به عنوان چهره‌های ماندگار ازتون تقدیر می‌شه و به پول الان ماهی ۷۰۰ تومن می‌گیرید.» گفتم: «این خوبه ولی خوب ارزون‌تر چی داری؟» گفت: «مشکلی نیست. به طرح داریم ماهی ۵۰ تومن، بیست و پنج ساله. بازنشستگی داره و...» گفتم: «نه خانم، تک‌سایری، نه باری چیزی ندارید؟» خانم گفت: «چرا اتفاقاً یکی هست برای خواهرشوهر خودم هم از همین بردم. راضی هم بوده. ماهی ۲۰ تومن می‌دید، سنی ساله. تموم که شد، یک گوشکوب بلورین از طرف انجمن گرامی‌داشت امید به زندگی بهتون اهدا می‌شه. بنویسم؟»

آدمم بیرون. تعرفه‌هایشان برای من خیلی سنگین بود. همان فامیل‌ها خوب‌اند. به‌جایش کشمش می‌خورم. ضد پیری؛ ضد چروک؛ ضد آلزایمر.

### آموزش مجازی آمریکا در اپلیکیشن happy



سمیه قربانی

- وزیر دفاع آمریکا: خوب سربازا! آمریکا تونسته برای شما کمک اینترنتی جور کنه تا بتونید روسیه رو شکست بدید. اگه همه اومدن، یه «بله» بفرستین... اون خوشمزه کیه نوشته «نخیر»؟  
الکساندر: اجازه قربان! اون رئیس‌جمهور، زلنسکیه!  
- یادم بنده‌اید یه صفر براش رد کنم. خوب درس اول رو شروع می‌کنیم: قدم اول در هر جنگی بستن پوشکه! ده دقیقه وقت دارید انجام بدید چند دقیقه بعد...

بورسیلا پیام صوتی ارسال کرد:  
همسر بورسیلا: بوری! پوشک بچه رو بذار سر جاش. وسط جنگ من پوشک از کجا پیدا کنم؟ خاک تو سر وزیر دفاع آمریکا... بورسیلا: عه! عزیزم! مثل اینکه فایل ارسال شد، چجوری حذف کنم؟ همسر بورسیلا: بازم داری ارسال می‌کنی که! بورسیلا: خوب چجوری حذفش کنم؟ همسر: نمی‌دونم بچه‌مون هنوز به سن هپی نرسیده!  
ایوان بیان ارسال کرد: اجازه قربان؟ این تیکه رو مامانمون قبلاً آموزش داده. ما می‌تونیم قطع کنیم؟  
- ای لعنتیا! بریم تمرین بعدی: دستارو ببرین بالا، پاهای باز، حرکت پروانه‌ای... یک، دو، سه، چهار... یک، دو...  
دانیلو: آقا اجازه! میشه ما انجام ندیم؟ نه اینکه پروانه بلد نباشیم! سربازای روسی پشت درن، یکم عهله هم دارن، بریم درو باز کنیم بیایم

دو دقیقه بعد، مامان سرباز دانیلو پیام ارسال کرد: آهای یارو وزیر دفاع نمی‌دونم چی می‌گورستون امریکا! بچه‌م مثل پروانه پرواز کرد. نمره شو بدیا والا با من طرفی...  
ایگور: قربان، اجازه! اینترنت داره قطع میشه غیر غیر، مامان صدای قطعی اینترنتو درست درآوردم؟

- اگه حضوری بود بهتون حالی می‌کردم لعنتیا. همه ده تا کلاغ بر برن پوئین پیام صوتی ارسال کرد: خخخخ، منگه گفتمم بیان توافق کنیم

الکساندر: پیام صوتی ارسال کرد:  
انان اینو بزنم ارسال میشه؟ همسر: آره اول حرفتو بزن بعد اونو بزن لعنتی، بچه گریه می‌کنه پوشک شو می‌خواد. الکساندر: قربان! مثل اینکه همه فیچی شدن منم رفته بودم تمرین پوشکو انجام بدم که زنده موندم

- خوب سربازا! برای جلسه بعدی درس‌های «چگونه ضربه مغزی ملایم نشویم؟ و چگونه از بالگرد آدم پرت کنیم؟» یه دور از روش بخونید. در مورد فلج کردن روسیه توسط تحریم‌های آمریکا هم یه انشاء بنویسید.

الکساندر: به شرط حیات ان‌شاه‌الله

### بی بی سی: باید به اوکراینی‌ها کمک کرد. مشاهده کشته شدن مردمی با موهای بلوند و چشم‌های آبی سخت است!



سیدمحمدجوادی طاهری

